



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: تشخیص اوقات/مواقیت الصلاة

در مقدمه بحث امروز عرض می کنیم که دو موضوع از علائم اجتهاد است؛ اول "رد الفروع الی الاصول" و دوم "تفریع الفروع علی الاصول"، آیت الله العظمی آقای داماد اعلی الله مقامه که بنده ۱۲ سال به درس ایشان می رفتم فرمودند وقتی به قم آمدم سن کمی داشتم و محاسنم هنوز رشد نکرده بود، روزی به درس حاج شیخ عبد الکریم رفتم و نزدیک منبر نشستم ایشان مسئله ای را مطرح کرد، من گفتم این مسئله مبتنی بر این چیزی که شما می فرمائید نیست بلکه بر چیز دیگری مبتنی است، حاج شیخ یک نگاهی کرد و چیزی نگفت و اعتنا نکرد و حرف خودش را ادامه داد، فردا که به درس رفتم قدری دور نشسته بودم، حاج شیخ که آمد بعد از خواندن خطبه فرمود دیروز حرف آن بچه سید درست بوده و مسئله مبتنی است بر همان چیزی که او گفت، خلاصه ابتناء یک فرع بر اصل از مقدمات بسیار مهم اجتهاد می باشد.

بنده وقتی این مطالب را می نوشتم یاد یک موضوعی افتادم، خدمت آیت الله العظمی آقای بروجردی اعلی الله مقامه بودیم که شخصی مسئله ای از آقا پرسید به این بیان که من پارچه های متعددی داشتم و به قم آمدم و آنها را نزد دو مغازه که مجاور هم بودند بردم، یکی از آنها خیاط بود پارچه را دادم تا بدوزد و پارچه ای هم به عنوان امانت نزد دیگری گذاشتم، بعدا که مراجعه کردم آنکه پارچه را به عنوان امانت نزدش

گذاشته بودم گفتم دزد پارچه را برده و این یکی هم لباس دوخته ولی خراب دوخته حالا تکلیف من چیست و چه کسی ضامن است؟ آقا فرمودند آن خیاط که خراب دوخته ضامن است ولی آن دیگری ضامن نیست، گفتم چرا؟ آقا فرمود چون در کتاب اجاره هست که اگر به هر صنعتگری برای کاری مراجعه شود در صورتی که خراب کرد ضامن است اما اگر چیزی را به کسی امانت بدهید تا وقتی که در نگهداری تعدی و تفریط نکند ضامن نیست، خلاصه رد الفروع الی الاصول و تفریع الفروع علی الاصول بسیار مهم می باشد.

صاحب عروه در ماخن فیہ (اوقات صلاة) بعد از معین کردن اصول شروع به ذکر فروع کردند که ما مسئله اول از این فروع را خواندیم فقط در آخر این مسئله ۱ ایشان فرمودند: «وإذا صلی مع عدم الیقین بدخوله (الوقت) ولا شهادة العدلین أو أذان العدل بطلت، إلا إذا تبین بعد ذلك کونها (أی الصلاة) بتمامها فی الوقت مع فرض حصول قصد القرية منه (مصلی).»^۱

مخشین عروه نیز مطلبی در اینجا ندارند و بالاخره مقصود این است که اگر شخصی با عدم علم یا عدم ظن به دخول وقت نمازش را خواند و بعدا معلوم شد که تمام نمازش در وقت بوده و از طرفی قصد قربت هم داشته نمازش صحیح است زیرا مقصود اصلی که خواندن نماز در وقت با قربت است حاصل شده و در واقع علم یا ظن در اینجا طریقیست دارند نه موضوعیت.

صاحب عروه در مسئله دوم اینطور می فرماید: «مسئلة ۲: إذا کان غافلا عن وجوب تحصیل الیقین أو ما

^۱ العروة الوثقی (الحشی)، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۷۶، ط جماعة المدرسین.

یدخل الوقت فدخل الوقت وأنت في الصلاة فقد
أجزأت عنك. ^۳

فقهائ ما از دو جهت به این خبر اشکال کرده اند؛ اول
اینکه سنداً ضعیف است و طوری هم نیست که همه
فقهائ به آن عمل کرده باشند و دوم اینکه در خبر گفته
شده "وأنت ترى أنك في وقت" یعنی علم دارید
درحالی که بحث ما فقط در مورد علم نیست بلکه ظن
نیز داخل بحث می باشد.

بقیه بحث بماند برای بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله
على محمد و آله الطاهرين

بحكمه فصلی ثم تبين وقوعها في الوقت بتمامها
صحت، كما أنه لو تبين وقوعها قبل الوقت بتمامها
بطلت، وكذا لو لم يتبين الحال وأما لو تبين دخول
الوقت في أثنائها ففي الصحة إشكال (زیرا شرط این
است که تمام نماز در وقت خوانده شود) فلا يترك
الاحتياط بالإعادة. ^۲

امام خمینی رضوان الله عليه در حاشیه عروه فرموده:
"الأقوى عدم الصحة" زیرا تمام نماز باید داخل وقت
باشد.

آیت الله خوئی رحمه الله عليه در صفحه ۳۸۱ الى
۳۸۲ از مستند العروة فرموده در فرض مذکور نماز باطل
است و آیت الله حکیم در مستمسک العروة و فقیه
همدانی در مصباح الفقیه نیز فرمودند در فرض مذکور
نماز باطل است.

کسانی که قائل به صحت شده اند به یک روایتی
تمسک کرده اند که در باب ۲۵ از ابواب مواقیات
الصلاة ذکر شده، عنوان باب این است: "باب ان من
صلى طانا دخول الوقت ولم يكن قد دخل ثم دخل
الوقت وهو في الصلاة أجزأته"، خبر این است:
﴿محمد بن الحسن بإسناده عن محمد بن علي بن
محبوب﴾ (شیخ القمیین فی زمانه ثقة عین فقیه و از طبقه
۷ است و اسناد شیخ به او صحیح است)، عن
يعقوب بن يزيد (بسیار خوب و ثقة است و از طبقه ۷
است) عن ابن أبي عمير (بسیار خوب و از طبقه ۶
است)، عن إسماعيل بن رباح (توثیق نشده و بواسطه او
خبر سنداً ضعیف است)، عن أبي عبد الله عليه
السلام قال: إذا صليت وأنت ترى أنك في وقت ولم

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۵۰، ابواب مواقیات الصلاة، باب ۲۵،
حدیث ۱، ط الاسلامیة.

^۲ العروة الوثقی (المحشی)، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۷۷، ط جماعة المدرسین.